

## سنجش اعتبار و پایایی مقیاس سازه هویت شهری (پژوهشی در میان شهروندان شهر تبریز)

محمد عباس زاده<sup>۱</sup>

حسین بنی فاطمه<sup>۲</sup>

محمد باقر علیزاده اقدم<sup>۳</sup>

موسی بهاری<sup>۴</sup>

### چکیده

هویت شهری از مفاهیم چند بعدی و بین رشته‌ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه روانشناسان، معماران و متخصصان و جامعه‌شناسان شهری قرار گرفته است. در تعریف متعارف، شهر جایی است که تعاملات شهری در آن اتفاق می‌افتد و مردم حس شهروندی نسبت به شهر خود دارند. آنچه به شهر، هویت می‌دهد، خود مردم آن شهر هستند که با سلیقه و ویژگیهای منحصر به فرد هویت شهرشان را می‌سازند. هدف این مقاله ساخت و اعتبار یابی مقیاس هویت شهری است. روش مورد استفاده پیمایش است و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری شامل شهروندان پانزده سال به بالای شهر تبریز هستند. اعتبار محتوایی پرسشنامه از طریق نظر استادان جامعه‌شناسی تایید شده و در ادامه مدل پنج عاملی متغیر پنهان هویت شهری توسط تحلیل عاملی تاییدی بررسی گردید که از برازندگی مناسبی برخوردار بود. طبق یافته‌های

Email: [m.abbaszadeh@tabrizu.ac.ir](mailto:m.abbaszadeh@tabrizu.ac.ir)

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز:

تحقیق می‌توان گفت که مقیاس ساخته شده هویت شهری ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری این مفهوم در متن جامعه شهری شهر تبریز است.

**واژگان کلیدی:** هویت شهری، هویت مکانی، اعتبار، پایایی، شهر تبریز.

### مقدمه

هویت شهری مجموع تعاملات و وابستگی‌های شهروندان با محیط زندگیشان است. از این‌رو هویت شهری همان شیوه زندگی فرد یا گروهی از افراد در درون اجتماع شهری است. لذا، مطالعه هویت شهری در دوره کنونی دارای اهمیت مضاعف است؛ چون روند فایق بر شیوه زندگی اجتماعات بشری مبتنی بر شیوه زندگی شهری است. شهرنشینی یکی از تغییرات مهم جهانی محسوب می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۷: ۷۸) و نگاهی به وضعیت جمعیت کنونی جهان نشانگر این است که اکثریت جمعیت دنیا در شهرها زندگی می‌کنند و شهرنشینی به شیوه زندگی اکثریت جمعیت دنیا تبدیل شده و پیش‌بینی می‌شود این روند طی سال‌های آتی نیز به همین روال توسعه یابد. همین مساله باعث شده تا در سطح جهانی موضوع شهرنشینی و مسائل مربوط به آن از جمله هویت شهری مورد کاوش جدی قرار گیرد.

در ایران نیز با شروع اصلاحات ارضی شهرنشینی به طور فزاینده‌ای گسترش پیدا کرد (نسترن و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۲) و طی سال‌های گذشته نظام شهرنشینی در ایران کاملاً دگرگون شده است. این تحولات باعث گردیده که بیشتر جمعیت در شهرها (از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۷۱/۴ در سال ۱۳۹۰ به نسبت کل جمعیت) (نقدی، ۱۳۹۰: ۱۷۴؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۴۰) متمرکز شوند. روند رو به رشد جمعیت شهری در مقایسه با جمعیت روستایی که رشد منفی دارد باعث گردیده تا توجه به شهر به عنوان یک پدیده زیستی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مرکز توجه باشد.

هویت شهری، سازه نظری پیچیده‌ای است. در بررسی واژه هویت شهری، با مفاهیم کلیدی نظیر هویت شهری (حسینی سروری و طالبیان، ۱۳۹۲؛ لطفی و محمدی، ۱۳۹۱؛ وارثی و همکاران، ۱۳۸۹)، هویت مکان، دلبستگی به مکان (سجادزاده، ۱۳۹۲؛ لالی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲)، هویت مکانی (پروشانسکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۸۳)، نمادهای فرهنگی (کریمیان، ۱۳۸۹)، نمادهای هویت شهری (لطفی و محمدی، ۱۳۹۱)، تعلق مکانی (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لالی، ۱۹۹۲)، صمیمیت شهری، دلبستگی به مکان مواجه هستیم.

گرچه مسئله تلاش برای مطالعه هویت شهری در رشته‌های مختلف علمی به طرق مختلف بیان شده است؛ و در ایران نیز اهمیت موضوع هویت به حدی بوده که در قانون برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به لزوم هویت بخشی به سیما و کالبد شهرهای کشور اشاره شده است (میرمقتدایی و همکاران، ۱۳۸۵) با این وجود در ایران به نحو جدی با تلقی از شهر به مثابه فرهنگ و فضای اجتماعی روبرو نشده‌ایم. نادیده گرفتن مسائل فرهنگی و اجتماعی در مطالعات شهری و تقلیل شهر به فضای کالبدی پیامدهای مخربی برای شهرهای ایران داشته است. به اعتقاد بسیاری، تقلیل شهر به ابعاد فیزیکی و کالبدی آن ناشی از فقدان نگاه بین رشته‌ای (پیران، ۱۳۸۴: ۳۵۹، فاضلی، ۱۳۹۲: ۵۲) و ترجیح دادن وجوه فضایی و کالبدی شهر بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن ریشه دارد (همان: ۵۴).

تبریز که به عنوان یکی از کلان‌شهرهای مشهور ایران شناخته می‌شود بزرگ‌ترین شهر شمالغرب کشور می‌باشد (قنبری، ۱۳۹۵: ۲۳۵). این شهر مهاجران زیادی را از مناطق اطراف به خود جذب کرده است. همین امر این شهر را مورد مناسبی برای مطالعات جامعه‌شناختی قرار داده است. اهمیت توجه به مقوله هویت شهری چنانچه گفته شد نیازمند مطالعه است؛ اما، این مطالعه بایستی با مقیاس‌ها و سنجه‌های دقیق انجام پذیرد. گرچه در سطح جهانی مقیاس‌هایی برای مطالعه هویت شهری ساخته شده لیکن این مقیاس‌ها برای جامعه ایرانی و خصوصاً شهر تبریز مدل بومی به حساب نمی‌آیند. برای این منظور این مقاله در پی آن

<sup>1</sup> Lalli

<sup>2</sup> Proshansky

است که روش و فرایند ساخت مقیاسی معتبر و پایا برای سنجش هویت شهری را مطرح نماید.

این تحقیق با هدف بررسی ساخت سنج‌ها و مقیاس مناسب برای سازه هویت شهری در بین شهروندان تبریز طراحی شده است. از این رو در پی پاسخ به سوالات زیر است:

- آیا می‌توان سنج و مقیاس هویت شهری دارای پایایی (دارای قابلیت اعتماد) مناسب طراحی کرد؟
- میزان اعتبار این سنج چه اندازه است؟
- آیا خرده مقیاس ساخته شده براساس کار مارکو لالی برای سنجش هویت شهری در تبریز اعتبار و پایایی کافی دارد؟

### منابع نظری

هویت شهری به معانی و ادراکی که از طرف افراد به دست می‌آید مربوط می‌شود. فقدان هویت، به ضعف معنا، تعلق و تنوع تجربه از مکان مربوط می‌شود. چیزی که می‌توان آن را مفهوم بی - مکان<sup>۱</sup> نامید. تعلق به مکان یک حس روانی است که فرد از طریق تجربه‌هایی که با محیط دارد آن را کسب می‌کند. این تجربه‌ها را می‌توان از طریق مقایسه آن مکان‌هایی که فرد کیفیت زندگی در آن‌ها را تجربه می‌کند و آن مکان‌هایی که فرد با آن‌ها ارتباط مستقیم ندارد مورد سنجش قرار داد (اوجانق<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۸ - ۱۵۶).

هویت مکانی بخشی از هویت وجودی فرد است و آن عناصری که هویت فردی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهند در ساخت هویت مکانی وی نیز موثرند. از این رو هویت شخصی در ساخت (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۴) و بازشناسی هویت مکانی نیز همان نقش را ایفا می‌کند (اکرمی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰: ۱۵). چون این حوزه‌ای است که ارتباط گسست‌ناپذیر بین هویت

<sup>۱</sup>Non - place

<sup>۲</sup>Ujang

<sup>۳</sup> Akrami

اجتماعی از یک سو و هویت جمعی و گروهی از سوی دیگر در درون آن به هم می‌پیوندد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۷ - ۸۶). از دید هابرماس<sup>۱</sup>، انسجام هویتی فرد به وسیله کنش ارتباطی (باتامور، ۱۳۷۲: ۶۰) با افراد دیگر در جامعه و محیط کار شکل می‌گیرد. از این رو کنش ارتباطی بین آنها باید آزادانه باشد و از عناصر تحریف کننده به دور باشد (غلام زاده<sup>۲</sup>: ۲۰۰۰: ۵۱). پس ارتباط متقابل بین فرد و مکان در ساخت هویت اجتماعی او و احساسی که او نسبت به مکان دارد دارای نقش چندگانه و چند سطحی است.

از نظر پروشانسکی<sup>۳</sup> هویت مکانی زیر مجموعه هویت فردی است که از شناخت‌های عمومی وی درباره مکانی که در آن زندگی می‌کند، تشکیل شده است. می‌توان گفت بخشی از شخصیت و هویت هر انسان مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و خود را به دیگران معرفی می‌کند. این شناخت‌ها بیان گر خاطرات، عقاید، احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، ترجیحات، وجهه‌نظرها، معانی، مفاهیم رفتاری و تجربه زندگی هستند که مرتبط به محیط فیزیکی بوده و تجربه روزمره هر انسانی را تعریف می‌کنند (پروشانسکی و همکاران، ۱۹۸۳: ۵۹).

به عقیده لالی هویت شهری حاصل پیوند عمیق میان فرد و محیط شهری اوست. هویت شهری تأثیری مثبت بر توانایی و اعتماد به نفس شهروندان دارد و شهروندان هر شهر را از دیگران متمایز می‌سازد (لالی، ۱۹۹۲: ۲۹۴). از دید وی هویت شهری، به عنوان بعدی از هویت شخصی خیلی وسیع افراد، نتیجه معاشرت میان فرد و محیط شهری است. شهر نماد عام تجربه‌های شخصی افراد است. گرچه، بازتاب این تجارب به سادگی صورت نمی‌گیرد، اما حسی از تداوم زودگذر برای شخص فراهم می‌کند (پیشین: ۲۹۴).

وی برای سنجش مفهوم هویت شهری یک مقیاس می‌سازد که شامل پنج شاخص ارزیابی بیرونی، پیوند با گذشته فرد، دلبستگی به شهر، صمیمیت شهری و تعهد است. در

<sup>۱</sup>Habermas

<sup>۲</sup>Gholamzade

<sup>۳</sup>Proshansky

تحقیق وی همه پنج شاخص فوق با درجه اعتبار و پایایی بالایی مورد تایید قرار گرفته است (پیشین: ۳۰۱ - ۳۹۴).

لینچ<sup>۱</sup> معتقد است، معنای شهر نه در محدوده کالبدی و نقشه آن، بلکه برپایه زندگی ساکنان، دیدگاه آنان نسبت به شهر و پویایی زندگی شهری است. به بیانی دیگر، فضا یا شهر، تنها عنصر کالبدی را در بر نمی‌گیرد، بلکه انسان‌ها، کارها و رفتارهایشان را نیز شامل می‌شود. به باور وی، عناصر متحرک شهر، به ویژه مردم و تلاش و تکاپوی آنان، به اندازه عناصر کالبدی، در ایجاد تصویر شهر موثرند؛ آدمیان نه تنها تماشاگر مناظر شهردند بلکه خود نیز جزئی از آن منظر هستند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

وی برای این منظور تصویر ذهنی<sup>۲</sup> و عناصر خوانایی شهر را مورد توجه قرار می‌دهد. منظور وی از تصویر ذهنی، همه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و چشم‌داشت‌هایی است که فرد از محیط پیرامون خود دارد و ارزش‌ها، کیفیت‌ها، کارکردها و اولویت‌های متفاوتی را در ذهن وی پدید می‌آورد. این ذهنیت‌ها تابعی است از همه دانسته‌هایی که فرد تا آن برهه از زمان دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است. پس تصویر ذهنی طرحواره ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهری است. (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

به نظر وی، منظور از خوانایی یا دیداری، آن است که بتوان به آسانی اجزای شهری را شناسایی کرد و آن‌ها را در ذهن و در قالبی همبسته، با یکدیگر پیوند داد (همان: ۱۷۰). لینچ علاوه بر خوانایی به تصویر واضح شهر نیز توجه کرده است. منظور از تصویر واضح این است که کیفیت رنگ‌ها، اشکال، تحرک و تنوع نور، کیفیت بو، صدا، حس و بساوابی و ... منجر به آفرینش تصویری در ذهن بیننده شوند که واضح و روشن باشد، نه مبهم و کدر (آرباک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۱۰ - ۹).

<sup>۱</sup> Lynch

<sup>۲</sup> Mental Image

<sup>۳</sup>Arbak

جاکوبز<sup>۱</sup> هویت شهری را با دو استراتژی تفسیری ارائه می‌نماید. استراتژی نخست به طراحی فضای راحت مربوط می‌شود جایی که شکل بیگانه به وسیله شهروندان برچیده می‌شود. این فعالیت خاص نه تنها شهروندان را در یک هدف مشترک متحد می‌کند، بلکه آن‌ها را به عنوان عضوی از یک محیط کوچک در یک محیط بزرگ‌تر فعال می‌نماید. استراتژی دوم جدا کردن دنیای شخصی فرد از دنیاهای دیگران، با تعریف کردن فضای هویتی تحت مالکیت فرد از طریق علائم مناسب، چشم اندازه‌ها، صحنه‌ها و نقاط مشاهده پذیر است (کارپوویتز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴: ۸۲).

از دید رلف<sup>۳</sup> یک مکان مرکز کنش و انگیزه است که ما حوادث معنادار وجود خود را تجربه می‌کنیم. رلف اعتقاد دارد که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد و در این میان معنا را جز اصلی و لاینفک این گروه می‌داند. رلف که از دیدگاه اجتماع به سازه هویت مکانی می‌پردازد؛ معتقد است اجتماعات مختلف با علایق و آگاهی متفاوت، هویت‌های متفاوتی دارند. از این رو یک شهر ممکن است هویت‌های مختلفی داشته باشد، برای مثال حومه‌نشین‌ها، گتوها، و مرکز نشین‌ها و سایر. وی به ارتباط قوی بین اجتماع و مکان اشاره می‌کند که هر کدام در جهت تقویت همدیگر عمل می‌کنند (آرباک، ۲۰۰۵: ۱۰ - ۹).

به اعتقاد رلف تعلق یا پیوند به مکان از طریق ارتباط بین هویت فردی و هویت گروهی و یا ترکیب خصوصیات شخصیتی این دو صورت می‌گیرد (رلف، ۱۹۷۶: ۲۳). از این لحاظ برای درک اهمیت هویت به مکان بایستی بجای تاکید بر روی کیفیت عناصر فیزیکی مکان بر ابعاد درک روان شناختی از حس مکان تاکید کرد. آنچه برای رلف مهمه این است که تجربه‌های فرد از محیط باید مورد توجه قرار گیرد و نه محیط بدون دخالت تجربه انسانی.

### پیشینه مطالعات تجربی

<sup>1</sup> Jacobs

<sup>2</sup> Karpovets

<sup>3</sup> Relph

در این بخش به بعضی از مهمترین کارهای انجام شده در زمینه هویت شهری اشاره می‌شود:

حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴) در «محلّه محوری و احساس تعلق به محلّه در بین ساکنان شهر تهران»، با روش پیمایشی و نمونه‌گیری از ۴۰۰ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که بین محلّه محوری با احساس تعلق محلّه‌ای و رضایتمندی اجتماعی و احساس مسئولیت رابطه معنادار وجود دارد.

سروری و طالبیان (۱۳۹۲) در «بازنمایی هویت طبقه متوسط مدرن شهری در آثار مصطفی مستور» (تحلیل گفتمان رمانهای استخوان خوک، دست‌های جذامی و من گنجشک نیستم) با روش تحلیل گفتمانی به این نتیجه رسیده‌اند که گفتمان برسازنده روایت در این رمان‌ها، هویت طبقه متوسط شهری را بازنمایی کرده که متعلق به گفتمان‌های کلان تر سنت و مدرنیته در ایران است.

صفایی پور و روزبه (۱۳۹۲) در «هویت و توسعه پایدار محلّه‌ای در شهر شیراز (مورد مطالعه: محلّه فخرآباد)»، با روش مقایسه‌ای به این رسیده‌اند که متغیرهای اجتماعی و فرهنگی ارتباط بیشتری با عامل هویت دارند و محلّه فخرآباد در برآوردن نیازهای ساکنین از لحاظ اصول تضمین‌کننده پایداری محلّه موفقیت نسبی کسب کرده است.

رهنما و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی «تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و مشارکت به عنوان متغیر مداخله‌گر در محلات شهر مشهد» با روش پیمایشی و نمونه‌گیری از ۳۵۲ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند.

وارثی و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی «مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار)» با روش پیمایشی و نمونه‌گیری



از ۳۴۲ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که میزان وجود مولفه‌های شهری در شهر گلپه‌ار پایین است و بین مدت زمان سکونت و تعلق مکانی ساکنین رابطه وجود دارد.

لالی در «هویت شهری: نظریه، اندازه‌گیری و یافته‌های تجربی» با روش پیمایشی و نمونه‌گیری از ۲۰۰ نفر در شهر هیدلبرگ به ساخت مقیاس هویت شهری در پنج بعد به شرح زیر می‌پردازد.

(۱) ارزیابی بیرونی<sup>۱</sup>، خود - بزرگ‌نمایی ساکنین را شامل می‌گردد. این شاخص مقایسه ارزیابانه‌ای میان شهر خود و سایر شهرها از یک سو و خصیصه خاص و منحصر به فرد شهر خود از سوی دیگر است (لالی، ۱۹۹۲: ۲۹۴).

(۲) پیوند با گذشته فرد<sup>۲</sup>، در برگزیده اهمیت محیط شهری برای حس ذهنی پیوند جاری است. این بعد بیانگر رابطه مفروض میان زندگی نامه فرد و شهر است یعنی نمادی شدن تجارب شخصی (Ibid).

(۳) دلبستگی<sup>۳</sup>، شامل گزینه‌ها و اهداف غیر دقیق، اندازه‌گیری حس در خانه بودن در شهر می‌باشد (Ibid).

(۴) صمیمیت شهری<sup>۴</sup>، همان تاثیر تجربه‌های روزمره شهری است. آشنایی نتیجه برعهده گرفتن اعمال در محیط شهری فرض شده است (Ibid, 294 - 5).

(۵) تعهد<sup>۵</sup>، پرسش‌هایی درباره درک اهمیت آینده فرد در شهر است. یعنی تعهد به «می‌خواهم بمانم» است. تعهدهای شخصی دارای اهمیت مرکزی برای ثبات درک - خود در نظریه‌های هویت مکانی هستند (Ibid, 295).

<sup>1</sup> External evaluation

<sup>2</sup> Continuity with personal past

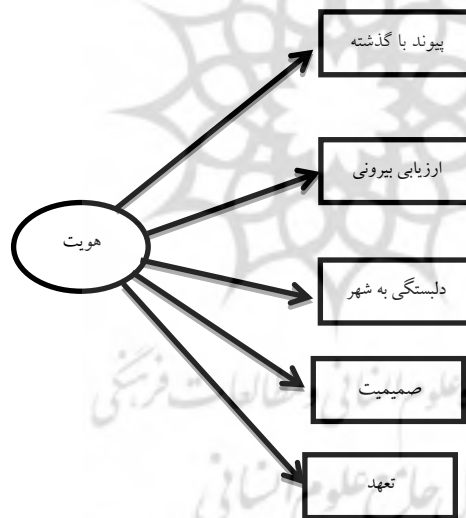
<sup>3</sup> Attachment

<sup>4</sup> Perception of familiarity

<sup>5</sup> Commitment

استیوپار<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در «خلق مجدد هویت شهری: منطقه کلانشهر بلغراد در مسیر گذر جریان‌های انسجام بخش اروپایی» با رویکرد کیفی نشان می‌دهد که قرار گرفتن در مسیر ترانزیت فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و محلی هویت بلغراد را تحت تاثیر قرار داده و به آن هویت مغشوش اعطا نموده است.

اوجانق و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در «دلبستگی به مکان و ارزش مکان در زندگی کاربران» با روش مصاحبه نیمه ساختارمند<sup>۳</sup> نشان می‌دهند که پیشینه قومی و نقش‌های کاربران دو متغیر اصلی‌اند که در پاسخ آن‌ها موثرند. دلبستگی به مکان توسط عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هدایت می‌شود و تجربه روزمره از مکان و خاطره مکانی در نحوه پاسخ مشارکت کنندگان نقش دارند.



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

## مواد و روش‌ها

<sup>1</sup> Stupar Aleksandra

<sup>2</sup> Ujang

<sup>3</sup> Semi Structured Interview

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر روش توصیفی - پیمایشی، از نظر زمانی مقطعی، از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری این تحقیق شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر تبریز هستند که در زمان انجام تحقیق در شهر تبریز ساکن بوده‌اند. روش نمونه‌گیری مبتنی بر روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است.

در این تحقیق برای ساخت مقیاس هویت شهری، ابتدا کار لالی مورد مطالعه قرار گرفت. در کار لالی مقیاس هویت مرتبط با شهر ساخته شده و مورد آزمون قرار گرفته بود که اعتبار بالایی داشت. همچنین به کارهای پروشانسکی و سایر تحقیقاتی که در بخش پیشینه تجربی آورده شد توجه شد. با مرور این‌ها متوجه شدیم که کارهای آن‌ها و مقیاس‌هایی که ساخته‌اند برای متن جامعه ایران و خصوصاً شهر تبریز نمی‌تواند معتبر باشد. چون شهروندان تبریزی دارای نوع خاصی از فرهنگ و آداب رسوم هستند که آن را از دیگران متمایز می‌سازد. از این رو گویه‌های مربوطه با توجه به متن جامعه شهری تبریز طراحی شد که در زیر به آنها اشاره شده است.

#### ❖ مقیاس پیوند با گذشته شخصی

- ۱- تصور نمی‌کنم در شهر دیگری غیر از تبریز زندگی کنم.
- ۲- این شهر برایم یادآور خاطرات کودکی است.
- ۳- به اکثر محلات شهر آشنایی دارم.
- ۴- شهر تبریز را شهری قدیمی و اصیل می‌دانم.
- ۵- به تاریخ شهر تبریز افتخار می‌کنم.
- ۶- اگر روزی از این شهر نقل مکان کنم دلم برای شهر و اهالی آن تنگ می‌شود.

#### ❖ مقیاس ارزیابی بیرونی

- ۱- شهر تبریز از شهرهای مشهور در کشورمان است.
- ۲- شهر تبریز دارای مزایای زیادی نسبت به سایر شهرهاست.
- ۳- این شهر را به مردم برای گردش توصیه می‌کنم.
- ۴- از حیث توسعه صنعتی تبریز نسبت به سایر شهرها برتری دارد.

## ❖ مقیاس دل‌بستگی به شهر

- ۱- خودم را یک تبریزی علاقمند به شهرم می‌شناسم.
- ۲- احساس می‌کنم تبریز خانه خودم است.
- ۳- از تخریب آثار تاریخی شهر ناراحت می‌شوم.
- ۴- شهر تبریز بخشی از وجود من است.
- ۵- در این شهر می‌توانم خودم باشم.
- ۶- این شهر انعکاسی از شخصیت خودم می‌باشد.

## ❖ مقیاس صمیمیت شهری

- ۱- احساس تعلق زیادی به شهر تبریز دارم.
- ۲- دوست دارم با خانواده‌ام در شهر قدم بزنم.
- ۳- اخبار مربوط به شهر را مرتب دنبال می‌کنم.
- ۴- از این شهر آشنایی کامل دارم.
- ۵- اسامی قدیمی خیابان‌ها و مکان‌های مختلف شهر برایم حس خوبی می‌دهند.

## ❖ مقیاس تعهد

- ۱- علاقه دارم همیشه در این شهر بمانم.
- ۲- توسعه این شهر برایم با اهمیت است.
- ۳- آینده شخصی من به این شهر گره خورده است.
- ۴- نسبت به تمیز ماندن شهر خودم را مسئول می‌دانم.
- ۵- دوست دارم محلات قدیمی شهر به همان شکل حفظ شوند.
- ۶- این شهر بهترین مکان برای رسیدن به اهداف و آرزوهای من است.

در تحلیل داده‌ها به تناسب تحلیل از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار Spss استفاده شده است. برای بررسی اعتبار<sup>۱</sup> سازه‌ای از تحلیل عاملی تاییدی<sup>۲</sup> و برای

<sup>۱</sup> Validity

<sup>۲</sup> Confirmatory Factor Analysis

بررسی قابلیت اعتماد<sup>۱</sup> مقیاس از شیوه همسانی درونی و آلفای کرونباخ به روش حذف گویه‌های ناهمساز استفاده شده است.

### یافته‌ها و بحث

سوال اصلی این تحقیق مربوط به اعتبار مقیاس ساخته شده برای سازه هویت شهری است. آیا مقیاس هویت شهری از اعتبار قابل قبول برخوردار است؟

اعتبار مقیاس هویت شهری به دو صورت اعتبار محتوایی و اعتبار سازه‌ای بررسی شده است. در خصوص اعتبار محتوایی پرسشنامه و انطباق گویه‌ها و توانایی آن‌ها در سنجش مفهوم مورد نظر از نکته نظرات اساتید گروه جامعه‌شناسی و تحقیقات پیشین صورت گرفته استفاده شد.

سوال دوم تحقیق مربوط به قابلیت اعتماد مقیاس هویت شهری است. برای بررسی قابلیت اعتماد از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۱، مقادیر آلفای کرونباخ را برای مقیاس هویت شهری نشان می‌دهد.

آلفای کرونباخ بر حسب معادله زیر بدست می‌آید:

$$\alpha = \frac{k}{k-1} \left[ 1 - \frac{\sum_{i=1}^k S_i^2}{\sigma^2} \right]$$

که در آن  $\alpha$  ضریب قابلیت اعتماد،  $K$  تعداد سوالات،  $\sum S_i$  واریانس نمرات سوال  $i$  و  $Q$  هم واریانس نمرات کل سوالات می‌باشد.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های هویت شهری بعد از تحلیل عاملی تاییدی و حذف برخی از گویه‌ها

مقیاس	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
-------	---------------	--------------------

<sup>1</sup> Reliability

پیوند با گذشته شخصی	۴	/۸۳
ارزیابی بیرونی	۴	/۸۱
دلبستگی به شهر	۴	/۹۰
صمیمیت شهری	۳	/۸۴
تعهد	۵	/۸۷

برای بررسی اعتبار سازه‌ای مقیاس ساخته شده با هدف تعیین گویه‌هایی که با خرده مقیاس مربوطه رابطه ندارند و یا رابطه آنها ضعیف است از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شد تا گویه‌های نامرتب از مقیاس هویت شهری حذف گردند. پس از انجام تحلیل عاملی تاییدی و حذف گویه‌های نامرتب و دارای ارتباط ضعیف، برای بعد پیوند با گذشته شخصی ۴ گویه (۲-۳-۴-۶)، بعد دبستگی به شهر ۴ گویه (۱-۲-۳-۶)، برای بعد صمیمیت شهری ۳ گویه (۱-۲-۳)، برای بعد ارزیابی بیرونی ۴ گویه (۱-۲-۳-۴) و برای بعد تعهد نیز ۵ گویه (۱-۲-۳-۵-۸) در مقیاس باقی ماندند.

سومین سوال مربوط تحقیق این بود که آیا خرده مقیاس‌های هویت شهری با عنوان مقیاس هویت شهری قرار می‌گیرند؟

برای پاسخ به این سوال، از تحلیل عاملی تاییدی به روش حداکثر برآورد درست نمای برای ارزیابی برازندگی داده‌ها استفاده شد. منظور از برازش نیز میزان سازگاری و توافق مدل با داده‌های به دست آمده است (کلاتری، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود مقدار کای اسکوتر برای مدل دوم برابر ۹۱/۹۵۷ است. درجه آزادی ۱۵ و در سطح ۹۹ درصد معنادار است. این نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوتر تحت تاثیر درجه آزادی و مقدار مشاهدات است. برخلاف مدل دوم، مدل اول که مدل اصلی برازش نیز هست، نشانگر این است که فراوانی‌های سطر و ستون از همدیگر مستقل هستند و مدل دارای برازش مناسب می‌باشد. مدل اول دارای مقدار کای اسکوتر ۶/۸۸۴ با درجه آزادی ۵ و سطح معنی داری ۰/۲۲۹ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۰۵ است.

فرمول کی دو در زیر آورده شده است:

$$\chi^2 = \sum \frac{(O_i - E_i)^2}{E_i}$$

جدول ۲: آزمون شاخص نیکویی برازش کای اسکوئر

آزمون	$\chi^2$	درجه آزادی	$\chi^2 /$ درجه آزادی	P
الگوی اول	۶/۸۸۴	۵	۱/۳۷۷	۰/۲۳۹
الگوی دوم	۹۱/۹۵۷	۱۵	۶/۱۳۰	۰/۰۰۰

روش دیگر استفاده از مقایسه‌های پایه مبنای<sup>۱</sup> است. در این تکنیک مقایسه‌های پایه مبنای به صورت شاخص‌های افزایشی یا تطبیقی برازش طبقه بندی می‌شوند. دامنه شاخص بین ۰ و ۱ است. هرچه شاخص به سمت ۱ میل کند، میزان برازش مدل بالاتر است. در این تکنیک مقادیر شاخص برازش هنجار<sup>۲</sup> و شاخص برازش تطبیقی<sup>۳</sup> به ترتیب برابر با ۰/۹۲۵ و ۰/۹۷۶ است که بالاتر از ۰/۹ می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که مدل از برازش خوب برخوردار است.

جدول ۳: آزمون مقایسه‌های پایه مبنای

مدل	NFI Delta1	RFI rho1	IFI Delta2	TLI rho2	CFI
-----	---------------	-------------	---------------	-------------	-----

<sup>1</sup> Baseline Comparisons

<sup>2</sup> Normal Fit Index (NFI)

<sup>3</sup> Comparative Fit Index (CFI)

۰/۹۷۶	۰/۹۲۷	۰/۹۷۸	۰/۷۷۵	۰/۹۲۵	Default model
۱/۰۰۰		۱/۰۰۰		۱/۰۰۰	Saturated model
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Independence model

آماره دیگر برای برآورد برازش مدل و سنجش آن، آماره پارامتر غیر مرکزی<sup>۱</sup> (NCP) است که مقدار آن برابر ۱/۸۸۴ است. این آماره نیز نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۴: آزمون NCP

Model	NCP	LO 90	HI 90
Default model	1.884	.000	13.023
Saturated model	.000	.000	.000
Independence model	76.957	50.391	111.027

فرمول‌های شاخص‌های برازش در زیر آمده است.

$$AGFI = 1 - \frac{K(K+1)}{rd} (1 - GFI)$$

$$GFI = 1 - \frac{F[S, \Sigma(\hat{\theta})]}{F[S, \Sigma(\theta)_i]}$$

$$GFI = 1 - \frac{F(S, \Sigma(\hat{\theta}))}{F(S, \Sigma(\cdot))}$$

$$IFI = \frac{\chi_{null}^2 - \chi_{model}^2}{\chi_{null}^2 - df_{model}}$$

$$TLI = \frac{(d_0 / df_0) - (d_{model} / df_{model})}{d_0 / df_0}$$

<sup>1</sup> Non - Central Parameter



$$NFI = \frac{\chi_i^2 - \chi_h^2}{\chi_i^2}$$

$$RMSEA = \sqrt{\frac{(\chi_h^2/df_h) - 1}{n}}$$

### نتیجه گیری

مفهوم هویت شهری از مباحث روز رشته‌های مختلف علمی در دروه معاصر به حساب می‌آید. انسان‌ها در کنش متقابل با انسان‌های دیگر و با ساختارهای گسترده تر هویتی را از میان هویت‌های موجود انتخاب می‌کنند. این هویت ممکن است برحسب تعریفی که انسان‌ها از موقعیت‌های خود دارند (استرایکر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰: ۲۳) نیز در مقابل آن‌ها قرار بگیرد. این هویت در طول کنش متقابل اجتماعی و در زمینه ساختاری احتمال دارد که در مرتبه هویتی به هویت مرکزی سوق پیدا کند، و در سلسله مراتب برجستگی هویت<sup>۲</sup> به بالاترین درجه برسد (استرایکر و شرپ<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴: ۲۴؛ دسروچرز<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۱). همین که هویتی به بالاترین درجه اهمیت رسید، به مرتبه هویت مرکزی سوق پیدا می‌کند. همین امر ضرورت توجه به مفهوم هویت شهری و تمرکز بر این مفهوم در بین رشته‌های مختلف علمی را برجسته می‌سازد.

ضرورت مطالعه هویت شهری، اهمیت ساخت مقیاس معتبر و پایا را توجیه می‌نماید. برای سنجش اعتبار و پایایی این مقیاس سه سوال کلیدی مطرح شد. سوال اول این بود که آیا مقیاس هویت شهری از اعتبار قابل قبول برخوردار است؟ برای پاسخ به این سوال از دو

<sup>1</sup> Sheldon Stryker

<sup>2</sup> Saliency Hierarchy of Identity

<sup>3</sup> Sherp

<sup>4</sup> Desrochers

روش اعتبار محتوایی و سازه‌ای استفاده شد. در بحث اعتبار محتوایی پرسشنامه و انطباق گویه‌ها و توانایی آن‌ها در سنجش مفهوم مورد نظر از نظرات اساتید متخصص این حوزه استفاده شد و با لحاظ نمودن دیدگاه‌های آن‌ها به نتیجه‌گیری نهایی رسید. سنجش اعتبار سازه‌ای نیز با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی بررسی گردید که از برازندگی مناسبی برخوردار بود.

دومین پرسش تحقیق مربوط به قابلیت اعتماد مقیاس هویت شهری بوده است. برای بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج به دست آمده (در جدول ۱) نشان داد که مقادیر آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های هویت شهری همگی بالای ۰/۸۱ است و مقیاس پایایی بسیار بالایی دارد.

پرسش سوم تحقیق این بود که آیا خرده مقیاس‌های هویت شهری با عنوان مقیاس هویت شهری قرار می‌گیرند؟

برای پاسخ به این سوال، از تحلیل عاملی تاییدی به روش حداکثر برآورد درست‌نمایی استفاده شد. آزمون  $X^2$  نشان داد که فراوانی‌های سطر و ستون از همدیگر مستقل هستند و مدل دارای برازش مناسب می‌باشد. همچنین از روش مقایسه‌های پایه مبنا و دو تکنیک شاخص برازش هنجار و شاخص برازش تطبیقی استفاده شد. نتایج آن نیز قابل قبول بود و در هر دو بالاتر از ۰/۹ بودند. این مقدار نشان داد که مدل از برازش خوب برخوردار است. آماره دیگر مورد استفاده، آماره پارامتر غیر مرکزی (NCP) بود که مقدار آن برابر ۱/۸۸۴ بود. این آماره نیز نشان داد مدل دارای برازش مناسبی است.

پس، با توجه به نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری، می‌توان گفت که پایایی و اعتبار مقیاس هویت شهری برای اعمال سنجش این شاخص بر روی شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر تبریز مورد تایید قرار گرفته است و این تحقیق توانسته شاخص معتبر و پایا را تولید کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- باتامور، تام (۱۳۷۲)، «دبستان فرانکفورت»، ترجمه محمد حریری اکبری، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
- پاکزاد، دکتر جهان‌شاه (۱۳۹۰)، «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲)»، تهران، انتشارات آرمانشهر، چاپ دوم.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴)، «هویت شهرها، غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده»، *مجله شهر سوال*، شماره ۴۸، پاییز. صص ۶-۹.
- حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۴)، «محلّه محوری و احساس تعلق به محلّه در بین ساکنان شهر تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۷۸-۵۷.
- رحیمی، اکبر (۱۳۹۷) توسعه میان‌افزای شهری، رویکردی نوین در حفظ زمین شهری در تبریز، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۲، شماره ۶۳، صص ۷۷-۷۹.
- رهنما، محمدرحیم، محمد محسن رضوی (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد»، *نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۲۹-۳۶.
- سروری، نجمه حسینی و حامد طالبیان (۱۳۹۲)، «بازنمایی هویت طبقه متوسط مدرن شهری در آثار مصطفی مستور (تحلیل گفتمان رمان‌های استخوان خوک، دست‌های جذامی و من گنجشک نیستم)»، *مجله مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال چهاردهم، شماره بیست و یکم، صص ۲۱۳-۱۷۹.
- صفایی پور، مسعود، حبیبه، روزبه (۱۳۹۲)، «هویت و توسعه پایدار محله‌ای در شهر شیراز (مورد مطالعه: محله فخرآباد)»، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۱، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- فاضلی، نعمت اله (۱۳۹۲)، «فرهنگ و شهر (چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری)»، انتشارات تپسا، تهران.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۵) تحلیلی بر مکانیابی مسکن مهر شهر تبریز، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۰، شماره ۵۵، صص ۲۲۹-۲۵۴.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۸)، «مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی - فرهنگی»، تهران، نشر فرهنگ صبا.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، «تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید»، ترجمه ناصر موققیان، تهران، نشر نی، چاپ پنجم.
- لطفی صدیقه، محمدی عبدالحمید (۱۳۹۱)، «بررسی ارتباط نمادهای شهری با هویت شهر (مطالعه مورد: شهر گنبد کاووس)»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای سال دوم*، شماره دوم، صص ۶۱-۷۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، «گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰».
- میرمقتدایی، مهتا، ژاله طالبی (۱۳۸۵)، «هویت کالبدی شهر: مطالعه موردی تهران»، نشریه شماره: گ-۴۴۱، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- نسترن، مهین، محمدی، محمود، محقق نسب، عنایت الله (۱۳۹۶) تدوین الگوی توسعه پایدار شهری مبتنی بر توسعه مجدد با استفاده از الگوریتم خوشه بندی (مورد مطالعه: شهر اراک)، *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، سال ۲۱، شماره ۶۲، صص ۳۰۳-۲۸۱.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۰)، «انسان و شهر، همدان»، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- وارثی، حمیدرضا، عامل بافنده، محمدزاده، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار)»، *پژوهش و برنامه ریزی شهری*، سال اول، شماره دوم، صص ۳۶-۱۷.
- Akrami, Elmira (2000), "culture and identity", *Hamshahri Newspaper*, No. 2263, Tehran, Municipality.
- Arbak, Shebnem (2005), *An analysis on the transformation of urban identity: case study of Bodrom*, in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in urban design.
- Desrochers, Stephan and Jeanne Andreassi and Cynthia Thompson (2004), "Identity theory" *Organization Management Journal*, Vol. 1, No. 1, PP. 61 – 69.
- Gholamzade, Ali Asgar (2000), "narrative identity", *Jouranal of Golestan*, No. 16, private lable.
- Karpovets, Maksym (2014), "The Theoretical Background of Understanding Urban Identity in the Anthropological Perspective". In: *Kyiv – Mohyla Humanities Journal*. PP. 77 – 93.

- Lalli, Marco (1992), "Urban-Related Identity: Theory, Measurement, and Empirical Finding"s, *Journal of Environmental Psychology*, PP. 285-303..
- Proshansky, Harold.M, Abbe K. Fabian and Robert Kaminoff (1983), "Place – Identity: Physical world socialization of the self", *Journal of Enviromental Psychology*. Number3.PP. 57 – 83.
- Relph, E. (1976), *Place and placelessness*. London: Pion.
- Stryker, Sheldon (1980), *Symbolic interactionism: A social structural version*. Menlo Park: Benjamin Cummings.
- Stryker, S., & Serpe, R. T. (1994), "Identity salience and psychological centrality: Equivalent, overlapping, or complementary concepts", *Social Psychology Quarterly*, 57,PP. 16-35.
- Stupar, Aleksandra (2004), (Re) creating the Urban Identity: The Belgrade Metropolitan Region at the Crossroads of the European Integration Flows, 40th ISoCaRP Congress.
- Ujang, Norsidah (2012), "Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 49, PP. 156 – 167.
- Ujang, Norsidah, Zakariya, Khalilah(2015), "Place Attachment and the Value of Place in the Life of theUsers", *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 168.PP. 373 – 380